گفت‌وگو با سامان احتشامی به بهانه کنسرت گروه شرقی

خلاقیت و تفاوت حرف اول را می‌زنند

کنسرت موسیقی ایرانی به سرپرستی و آهنگسازی سامان احتشامی سی‌ام مهر و یکم آبان در تالار وحدت برگزار می‌شود. احتشامی و گروهش در این کنسرت قطعاتی از موسیقی ایرانی و موسیقی نواحی را اجرا خواهند کرد. در این کنسرت همچنین قطعه سپیدار که به سفارش سازمان ملل ساخته شده با دو پیانو اجرا خواهد شد. احتشامی در این کنسرت سراغ تجربه‌ای متفاوت رفته و در کنار محسن شریفیان بداهه‌نوازی نی‌انبان و پیانو اجرا خواهند کرد. در گفت‌وگوی پیش‌رو با سامان احتشامی درباره پیانوی ایرانی و دغدغه‌های موسیقایی‌اش به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

عکس: مهدی طلاجوی

◄ ایمان پاکنهاد

–آقای احتشامی شما را به عنوان یکی از نوازنده‌های نسل سوم پیانونوازی ایران می‌شناسیم که به نوعی ادامه‌دهنده راه استادانی چون جواد معروفی هستید. در این نسل نوازنده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ در دسته نخست نوازنده‌هایی مثل شما حضور دارند که پیانو را وادار به تولید صدای ایرانی می‌کنند. اما در دسته دوم این دیدگاه دیده نمی‌شود. اگر ممکن است درباره تفاوت این دو دیدگاه توضیح دهید و اینکه چه شد شما به این رویکرد پرداختید؟

در دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ افرادی مثل رکن‌الدین‌خان مختاری یا مشیرهمایون شهردار و در ادامه مرتضی‌خان محجوبی نوازنده پیانو بودند. این افراد در طول زندگی خود و پیش از ورود پیانو به ایران با سازهایی مثل تار و سه‌تار و سنتور سروکار داشتند یعنی صرفاً با سازهایی آشنایی داشتند که مضرابی بودند و در زمان قاجار رواج یافته بودند. وقتی ساز جدیدی مثل پیانو وارد ایران شد، این افراد با نحوه نوازندگی آن آشنایی نداشتند چون نه فیلمی از آن دیده بودند و نه نوازنده‌ای فرنگی که مثلاً بخواهند ادای آن را در بیاورند. بنابراین ترجیح می‌دادند صدای ساز ایرانی مثل تار یا سنتور را روی ساز غربی پیانو پیاده کنند و بنوازند. به همین دلیل بود که با دو انگشت پیانو می‌نواختند و از هر ۱۰ انگشت خود استفاده نمی‌کردند. از طرف دیگر نه کتاب نتی در دسترس بود و نه معلم‌هایی که بتوانند به طور آکادمیک تدریس کنند. با این حساب همان آموزش‌های مرسوم سینه به سینه را روی ساز پیانو اجرا می‌کردند. از سوی دیگر سال‌ها از ورود نت به ایران در سال ۱۳۰۴ گذشته و جا افتاده بود. رادیو هم که ۱۳۱۹ آمد. بنابراین پیش از رواج یافتن نت که بانی آن کلنل علینقی وزیری بود، هر کس بنا بر ذوق و درک خود ساز می‌زد. به همین خاطر هم آثاری که تولید می‌شد بی‌مانند بود و هست. یکی دو دهه بعد افرادی چون جواد معروفی و انوشیروان روحانی به مجموعه پیانونوازی ایران اضافه شدند. در آن زمان برخی استادان فرنگی موسیقی هم در ایران فعالیت می‌کردند. مثلاً استاد آقای معروفی خارجی بود. پس از این بود که یکسری نغمات دیگر هم به واسطه عواملی که گفتم به ساز نوازنده‌های آن دوره افزوده شد. یعنی اگر پیش از آن فقط یک ملودی اجرا می‌شد، این افراد ملودی‌های دیگری با دست چپ نیز اجرا کردند. یک ملودی با دست راست و ملودی دیگر با دست چپ. «خواب‌های طلایی» و «فانتزی ژیلا» جزء قطعاتی هستند که آقای معروفی در دهه ۳۰ تنظیم کردند که جذابیت‌های خاص خود را داشت. هنوز هم هر کسی می‌خواهد پیانونوازی یاد بگیرد، علاقه‌مند به نواختن «خواب‌های طلایی» است. بعدها با آمدن وسایل ارتباط جمعی فراوان در کنار تئوریسین‌ها، دیگر نمی‌توانم آن ملودی‌ها و شیوه‌ها را تکرار کنم. باید پیانویی دیگرگون بزنم. یعنی باید هم تکنیک بالاتری داشته باشم و هم صدایی تولید کنم که برای نسل فعلی جذابیت داشته باشد. اینکه چرا من پیانوی ایرانی می‌زنم به این دلیل است که ایرانی هستم. من با نوروز و عاشورا و تاسوعا بزرگ شده‌ام. من اندوه ایرانی‌ها را دیده و با آن بزرگ شده‌ام. با لالایی‌های مادرهایمان خوابیده‌ام. این نغمات در پوست و جانم وجود دارد. پس من باید با استفاده از تکنیک‌هایی که پیانو دارد، حرف دل خودم را بزنم. اگر بخواهم حرف دل یک اتریشی یا آلمانی را که برای این ساز تئوری نوشته، بزنم حتماً لهجه خواهم داشت. مثل این است که به یک خارجی بگویید شعر حافظ را بخواند. طبیعی است که دارای لهجه خواهد بود. همان طور که یک خارجی بر مبنای فرهنگ خود، درکی از شعر حافظ ندارد، ما نیز درکی از شعر شکسپیر نداریم. هر چند منکر این نیستم که هر کسی بخواهد پیانوی ایرانی بزند، باید با تکنیک‌های پیانوی فرنگی آشنایی کامل داشته باشد. بعد اگر توانایی و حس این را داشت که به زبان خودش پیانو بزند، برود سراغ همان. اگر افغانی بود، پیانوی افغانی بنوازد و اگر ایرانی بود، ایرانی. حالا اگر من پیانوی ایرانی را شیرین می‌نوازم به این دلیل است که با نوازندگی سازهای ایرانی همچون تار و سنتور آشنایی دارم و آنها را می‌نوازم. پس همان نغماتی را که با سازهای ایرانی نواخته‌ام با دست راستم روی پیانو اجرا می‌کنم. از سوی دیگر چون هارمونی بلدم و می‌توانم با استفاده از دست چپ صداهایی دیگر تولید کنم، پیانوی من به امضای مشخصی دست یافته که البته دلیلی بر خوب بودن آن نیست.

–یکی از دلایلی که برشمردید این بود که شما با نغمات ایرانی بزرگ شده‌اید و با آنها زندگی کرده‌اید و به همین دلیل به پیانوی ایرانی روی آورده‌اید. خب برخی‌ها معتقدند یکی دیگر از ویژگی‌های ایرانی بودن در موسیقی آن است که از ساز ایرانی هم استفاده کنید. در واقع سوال من این است که چرا شما به رغم آشنایی و تسلط بر ساز ایرانی، سازی غربی مثل پیانو را وادار به تولید صدایی ایرانی می‌کنید. به هر حال دغدغه معاصر بودن و ایرانی بودن...

روزی در ۱۲سالگی به منزل زنده‌یاد آقای پایور رفته بودم. ایشان گفتند تو اگر بخواهی سنتور بزنی که بهتر از من نمی‌زنی یا اگر بخواهی تنبک بزنی که بهتر از مثلاً محمد اسماعیلی نمی‌زنی. به من گفتند تو به واسطه استعداد و توانایی‌ای که در نوازندگی پیانو داری می‌توانی به سامان محجوبی تبدیل شوی. این راهنمایی ایشان همیشه در گوشم هست و باعث تشویقم شد تا بتوانم پیانوی ایرانی بزنم. البته من پیانو را مجبور نمی‌کنم که صدایی ایرانی بدهد.

– به هر حال شما برای نواختن دستگاه‌های مختلف ایرانی مجبورید در کوک پیانو تغییراتی ایجاد کنید.

بله. چون شما در نوازندگی سازی مثل سنتور هم مجبور به تغییر کوک هستید.

– منظور من این است که شما یک ساز غیرایرانی را دستکاری می‌کنید تا صدای ایرانی بدهد.

من به این دستکاری‌ها علاقه دارم.

– خب اگر سلیقه‌ای است که بحثی نیست.

بله، کاملاً سلیقه‌ای است. اما این را هم بگویم که در کنسرتی که پیش رو داریم، دستی در کوک پیانو نبرده‌ام اما پیانوی ایرانی خواهم نواخت. تازه در کنار آن موسیقی نواحی مثل کردی و لری هم اجرا خواهم کرد. یا نغماتی از موسیقی چین و ژاپن را اجرا خواهم‌کرد. در این اجرا شما با یک کوک گام‌هایی از موسیقی فرنگی را هم خواهید شنید. من در این کنسرت تمامی تکنیک‌هایی را که در این بیست و چند سال فرا گرفته‌ام، نمایش خواهم داد. به طور کلی یک نوازنده پیانو به نظر من باید این توانایی را داشته باشد که در هر شرایطی هم‌رنگ سازش شود. امروز دیگر همه بلدند تار و سه‌تار و پیانو بنوازند. الان دیگر همه پیانیست‌ها می‌توانند آثار باخ و بتهوون و دیگر آهنگسازان بزرگ را به بهترین نحو اجرا کنند. پس منی که می‌خواهم کنسرت بدهم باید صدایی تولید کنم که برای مردم این زمانه جدید باشد. این خلاقیت و تفاوت است که حرف اول را می‌زند، نه نوازندگی.

– همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید، موسیقی به عنوان پدیده‌ای فرهنگی برای رشد و ماندگاری چاره‌ای جز معاصر بودن ندارد. ما در کارهایی که از شما منتشر شده شاهد اجرای دوباره نغماتی هستیم که بارها اجرا شده و به گوش مردم آشناست. بیشتر مخاطبان این نغمه‌ها افرادی از نسل‌های گذشته هستند که با این ملودی‌ها زندگی کرده‌اند. همین افراد بیشتر سراغ نسخه اصلی این ملودی‌ها می‌روند. با این اوصاف به نظر می‌رسد به ضلع مخاطب اهمیت کمتری داده می‌شود یعنی نوازنده بیشتر به دنبال ارضای حس خودش است تا مخاطب. آیا این موضوع با دغدغه معاصر بودن متناقض نیست؟

موسیقی‌ای که ضبط و منتشر می‌شود، ممکن است حتی برای ارضای احساس آن نوازنده هم نباشد. واضح‌تر بگویم؛ شاید برای این منتشر می‌شود که درآمدی کسب شود. به عبارت دیگر شاید سامان احتشامی دلش نمی‌خواهد «پری کجایی» را اجرا و منتشر کند. اگر من برخی قطعات شنیده شده را دوباره اجرا کرده‌ام، شاید به خاطر درآمدزایی آن بوده باشد. خیلی کم پیش آمده که من به خاطر دل خودم اثری منتشر کنم چون همواره در زندگی‌ام دغدغه‌های مالی داشته‌ام. از سوی دیگر مردم از موسیقی‌ای لذت می‌برند که در حال پخش است. اگر کسی از قدیم موسیقی‌ای را شنیده و از آن خاطره دارد بحث جدایی است. یکی از دوستان من می‌خواست پیانوی رویال و گرند بخرد. از او پرسیدم چرا می‌خواهد چنین ساز گرانی بخرد. جواب داد چون «سالوادور» با این ساز پیانو می‌زند! ببینید این شخص از موسیقی‌ای که مثلاً در یک شبکه پخش می‌شود تاثیر گرفته و تصمیم به خریدن رویال گرفته. بنابراین آن موسیقی‌ای همیشه بر مردم تاثیر می‌گذارد که مدام در حال پخش است. پاسخم به سوال شما این است که مخاطب اگر نسخه فرعی را نشنود به سراغ نسخه اصلی می‌رود. همین الان هم بسیاری از آهنگ‌هایی که در دهه‌های ۶۰ یا ۷۰ میلادی ضبط شده‌اند، دوباره دارند ضبط می‌شوند و مورد استقبال واقع می‌شوند. من حرف شما را قبول ندارم که همه مخاطبان این نغمه‌ها سراغ نسخه اصلی می‌روند. حالا اگر ۷۰ساله‌ها این نسخه‌های جدید را نمی‌پسندند به سلیقه خودشان بازمی‌گردد. موضوع دیگری هم دخیل است. معمولاً وقتی پدیده‌ای مد می‌شود، بعد از چند نسل مردم دوباره سراغ همان مد می‌روند. مثلاً شما الان شاهد هستید که چقدر عکس‌های سیاه و سفید مد شده‌اند و مردم در عروسی‌هایشان از این طرز عکاسی استفاده می‌کنند.

–یکی از وجوه دیگر معاصر بودن دغدغه موسیقی چندصدایی است که در حال حاضر هم مطرح است. در کارهایی که به آهنگسازی شما شنیده‌ایم جز قطعه «سپیدار»، کمتر با پدیده موسیقی چندصدایی روبه‌رو هستیم. آیا این موضوع هم سلیقه‌ای است یا دلایل دیگری هم دارد؟

البته من موسیقی چندصدایی هم نوشته‌ام که هنوز منتشر نشده است. اما اگر به آثار منتشر شده‌ام نیز نگاه کنید که بیشتر با یک پیانو ضبط شده، من از علم هارمونی و کنترپوان استفاده کرده‌ام. اصلاً نمی‌پذیرم در کارهایم موسیقی چندصدایی شنیده نمی‌شود. در تکنوازی‌ها من با استفاده از دست راست و چپ دو ملودی روی هم نواخته‌ام. مگر این، چیزی جز موسیقی چندصدایی است؟

–البته منظور من آثار ارکسترال شماست.

ببینید. ضبط موسیقی ارکسترال هزینه زیادی دارد. موسیقی «سپیدار» را هم من به سفارش سازمان ملل ساختم. آنها تمام هزینه‌های تولید و ضبط این قطعه را پرداخت کردند. غیر از این، هر موسیقی‌ای که ضبط کرده‌ام با هزینه خودم بوده است. خب من همیشه دوست داشتم چند خط دیگر برای سازهای مختلف در آثارم بنویسم اما دغدغه هزینه نوازنده‌ها و استودیو و ضبط مانع این کار بوده است. به همین خاطر است که موزیسین‌ها در مواجهه با چنین هزینه‌هایی که بازگشت سرمایه هم ندارد ترجیح می‌دهند در خانه بنشینند و با فکر کردن به سود و زیان، اثری را بنویسند یا ماشین خودشان را بفروشند و قطعه‌ای ضبط کنند.

–درباره موسیقی چندصدایی ایرانی دو نظریه وجود دارد. برخی‌ها معتقدند برای نوشتن موسیقی چندصدایی ایرانی صرفاً می‌توان از علم هارمونی و کنترپوان غربی استفاده و تبعیت کرد. برخی دیگر مثل زنده‌یاد حنانه در پی تدوین قواعد ویژه موسیقی چندصدایی ایرانی بودند. نظر شما در این باره چیست؟

من معتقدم موسیقی ایرانی نمی‌تواند صرفاً از قواعد پلی‌فونی غربی تبعیت کند. موسیقی ایرانی در هر شکل باید صدایی ایرانی بدهد. در موسیقی کلاسیک غربی بین نت‌ها نیم پرده فاصله هست و قواعد هارمونی و کنترپوان بر اساس همین فواصل تدوین شده‌اند. اما فواصل موسیقی ما ربع‌پرده است و این ربع‌پرده‌ها در دستگاه‌های مختلف با هم تفاوت دارند یعنی ربع‌پرده‌ای که در سه‌گاه استفاده می‌کنید با ربع‌پرده‌ای که در ابوعطا هست دست‌کم از نظر حسی کاملاً متفاوت‌اند. استاد پورتراب عقیده داشتند این فواصل باید استاندارد باشند. معتقدند مثلاً سه‌گاه باید روی فلان درجه باشد یا ابوعطا حتماً باید روی بهمان درجه باشد اما من اصلاً این عقیده را قبول ندارم. حال موسیقی ایرانی سینه به سینه منتقل شده است. هنرجوی این موسیقی هم حتماً باید در طول دهه‌ها با استاد خود زندگی کند تا حال آن موسیقی را از استادش فرا بگیرد. فواصل موسیقی ایرانی به هیچ عنوان استاندارد نیست و فقط از آن همین منطقه است. بنابراین بسیاری از هارمونی‌های موسیقی کلاسیک غربی روی این موسیقی جواب نمی‌دهد و نمی‌نشیند. اما معتقدم می‌توان موسیقی چندصدایی ایرانی را با همین فواصل غیراستاندارد و با توجه به فواصل غیراستانداردی که در دنیا وجود دارد، طوری نوشت که صدایی ایرانی بدهد. من نیز این کار را کرده‌ام که در آلبوم «مرا بپذیر» که در آن قطعاتی برای ارکستر بزرگ نوشته‌ام، وجود دارد. این آلبوم بعد از کنسرتم منتشر خواهد شد.

نکته

ضبط موسیقی ارکسترال هزینه زیادی دارد. موسیقی «سپیدار» را هم من به سفارش سازمان ملل ساختم. آنها تمام هزینه‌های تولید و ضبط این قطعه را پرداخت کردند. غیر از این، هر موسیقی‌ای که ضبط کرده‌ام با هزینه خودم بوده است. خب من همیشه دوست داشتم چند خط دیگر برای سازهای مختلف در آثارم بنویسم اما دغدغه هزینه نوازنده‌ها و استودیو و ضبط مانع این کار بوده است. به همین خاطر است که موزیسین‌ها در مواجهه با چنین هزینه‌هایی که بازگشت سرمایه هم ندارد ترجیح می‌دهند در خانه بنشینند و با فکر کردن به سود و زیان، اثری را بنویسند. یا ماشین خودشان را بفروشند و قطعه‌ای ضبط کنند.

–اگر ممکن است درباره قطعه «سپیدار» که به سفارش سازمان ملل نوشته‌اید توضیح دهید.

ملودی «سپیدار» را نزدیک به ۲۰ سال پیش نوشته و اجرا کرده بودم که در آلبوم «مهتاب در باغ» منتشر شده بود. این قطعه در ریتم شش‌شانزدهم نوشته شده و هیجان دارد. خب پیشنهادی از سوی یکی از دوستانم برای تنظیم مجدد این قطعه رسید که برای موضوع توسعه پایدار ضبط شود. بنابراین این قطعه را مجدداً برای ارکستر بزرگ تنظیم کردند. در این تنظیم سازهای زهی به طور کامل حضور دارند که برای هریک از سازهای ویولن، ویولن‌آلتو، ویولنسل و کنترباس خط جدایی نوشتم. از سازهای بادی هم فلوت حضور داشت. ساز پیانو هم به عنوان ساز اصلی حضور داشت. در این اجرا، سازهای ارکستر کنترپوان و آکومپانیمان پیانو را اجرا می‌کنند و پیانو هم ملودی اصلی را اجرا می‌کند. سازهای کوبه‌ای ایرانی هم به خاطر ایرانی بودن اثر ارکستر را همراهی می‌کنند. یادآور می‌شوم که در کنسرت پیش‌رو من و یلدا صمدی عزیز این قطعه را با دو پیانو اجرا خواهیم کرد.

نکته دیگری هم درباره این قطعه بگویم. من با علم صدابرداری آشنایی دارم. یک آهنگساز برای بهبود کارش حتماً باید قطعاتش را پیش از ضبط بشنود. این قطعه را هم برای بار نخست با صداهای مصنوعی در کامپیوتر اجرا کردیم و شنیدیم. بعدها هر یک از سازها را یک نوازنده اجرا کرد و با دستگاه‌های میکس آنها را طوری روی هم چیدیم که به نظر یک ارکستر صدنفره می‌آید. بنابراین با این شیوه‌ها می‌توان هزینه‌های نوازندگی و ضبط را چندین برابر کم کرد. حال اگر موزیسینی میکس بلد نباشد، هزینه‌هایش چند برابر می‌شود. اگر من این شیوه‌ها را بلد نبودم شاید هزینه ضبط این قطعه به ۵۰ میلیون تومان می‌رسید اما با استفاده از میکس این هزینه را به یک‌دهم کاهش دادم. علاوه بر این من اسپانسری مثل سازمان ملل داشتم که اگر نداشتم نمی‌توانستم این قطعه را ضبط کنم.

–یکی از دغدغه‌های آهنگسازانی که موسیقی جدی کار می‌کنند، مساله حمایت‌های دولتی از سوی نهادهایی چون انجمن موسیقی است. این افراد همواره از عدم حمایت این نوع نهادها گلایه دارند. آیا شما نیز با چنین مساله‌ای در کنسرت پیش‌رو مواجه شده‌اید؟

ما نه حمایت شدیم و نه حمایتی از آنها خواستیم. نخواستیم چون نمی‌خواستیم درگیری عصبی هم داشته باشیم. آشپز که دوتا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک. وقتی من می‌خواهم کنسرت برگزار کنم دلیل این نیست که سلیقه شخص یا نهادی دیگر را هم وارد کنسرتم بکنم. انجمن موسیقی ایران چه تسهیلاتی برای اجرای من قائل می‌شود که من به تنهایی قادر به انجام آن نیستم؟

– مثلاً تقبل بخشی از هزینه‌های کنسرت...

کسی که پول می‌دهد طبیعتاً انتظاراتی هم خواهد داشت. به چه دلیل من باید کنسرت بدهم و با پذیرش کمک‌های مادی آنها، انجمن موسیقی ایران را مطرح کنم؟ این وظیفه آنهاست که من را مطرح کنند. چرا من باید در بروشور یا پوستر کنسرت بنویسم که با تشکر از انجمن موسیقی ایران که فلان کمک را به ما کرده است؟ ترجیح می‌دهم از پدرم قرض بگیرم اما این کار را نکنم. اگر وظیفه آنها حمایت از ماست، آیا سالن مجانی برای کنسرت در اختیار ما قرار می‌دهند؟ آیا حاضر هستند برای موسیقی‌ای که همیشه با سالن پر روی صحنه می‌رود سالن رایگان در اختیار بگذارند؟ بارها و بارها انجمن موسیقی ایران سالن مجانی در اختیار ارکسترسمفونیک تهران قرار داده و تمامی هزینه‌های کنسرتش را متقبل شده، اما نصف سالن خالی بوده است. یعنی حتی نوازنده‌های خود ارکستر هم دل نمی‌دهند تا خانواده‌های خود را برای حضور در این کنسرت دعوت کنند تا سالن پر شود چون دل‌شان شاد نیست. احتمالاً به این فکر می‌کنند که چرا باید با هزینه خودمان سالن را پر کنیم تا نام انجمن موسیقی ایران مطرح شود. من که از راه موسیقی زندگی می‌کنم، هیچ انگیزه‌ای برای تعامل با انجمن موسیقی ندارم. چون هیچ کاری برای منی که موسیقی را به طور حرفه‌ای دنبال می‌کنم، نمی‌کنند.

– در کنسرت پیش رو قطعه‌ای هم از همایون خرم اجرا خواهید کرد. از تاثیر ایشان در موسیقی‌تان بگویید.

به نظر من بهترین ملودی‌ساز ایران همایون خرم است. اگر استاد خرم در زندگی‌اش ۱۰۰ ملودی ساخته باشد، بالای ۵۰ قطعه از آنها را تمامی مردم ایران زمزمه می‌کنند. ایشان به جد بهترین ملودی‌ساز قرن اخیر ایران بوده‌اند. من از بچگی با ایشان بزرگ شده‌ام. افتخار این را داشته‌ام که در ۱۷سالگی روی صحنه تالار وحدت با ایشان ساز زده‌ام. همایون خرم ۵۰ سال از من بزرگ‌تر است. جز خوبی و بزرگی و آقایی هیچ چیز دیگری از ایشان ندیده‌ام. ایشان معلم بزرگ اخلاق من بوده‌اند. شخصیت عجیبی دارند. بارها از ایشان درباره احساس‌شان هنگام ساختن چنین ملودی‌هایی پرسیده‌ام، که جواب می‌دهند نمی‌دانم و این ملودی‌ها از بالا می‌آیند. «امشب در سر شوری دارم» را هنگامی که در سد کرج مهندسی برق پروژه را انجام می‌دادند، روی ورق‌های گالوانیزه نوشتند. خیلی مهم است که در دهه ۸۰ زندگی لگاریتم و انتگرال بلد باشید. ایشان این توانایی را دارند. به علاوه ایشان در سلامت کامل جسمی و اخلاقی زندگی کرده‌اند و این برای هر هنرمندی یک افتخار است. من ملودی‌های همایون خرم را می‌پرستم. تکرارنشدنی هستند.

خبر

«ماتیاس کروگر» آلمانی رهبر جدید ارکسترسمفونیک تهران

«ماتیاس سباستین کروگر» چند روز پیش به عنوان رهبر جدید ارکسترسمفونیک تهران معرفی شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی موسیقی ایران، «کروگر» از روز یکشنبه تمرینات خود را با ارکسترسمفونیک تهران آغاز خواهد کرد. ماتیاس کروگر در سال ۱۹۸۰ در شهر روتویل آلمان متولد شد. از سال ۱۹۸۶ اولین درس‌های پیانو و آهنگسازی را شروع کرد. درس‌های آهنگسازی را در دانشگاه کلن با پروفسور یورک هولر و درس پیانو را در همان آکادمی با پروفسور کلاوس اولدمیر ادامه داد و از کلاس آنها فارغ‌التحصیل شد. وی همچنین درس آهنگسازی را در کنسرواتوار سوپریر پاریس در کلاس فردریک دوریکس و یان گسلین ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم از کلاس آنان شد. درس رهبری ارکستر را در فرانکفورت با پروفسور راجسکی ادامه داد و از این آکادمی با درجه عالی فارغ‌التحصیل شد. کروگر در سال ۱۹۹۲ موفق به اخذ جایزه برترین آهنگساز جوان شد و در سال‌های بعد چند بار دیگر این عنوان و جایزه‌اش را به دست آورد. وی همچنین رپرتواری مرکب از کارهای کلاسیک تا معاصر را با ارکسترهای متفاوتی در اروپا به روی صحنه برده است. اما همان طور که در خبر سایت انجمن موسیقی نیز آمده در سابقه کاری این موزیسین آلمانی، رهبری ارکسترسمفونیک دیده نمی‌شود. البته جست و جوی «شرق» نیز برای یافتن سابقه‌های کاری او به نتیجه‌ای نرسید.

محمدرضا درویشی از ضرورت‌های موسیقی کار می‌گوید

محمدرضا درویشی یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران عرصه هنر موسیقی کشور در نخستین روز از برگزاری همایش بزرگ کارآواها و آیین‌های موسیقایی کار در ایران درباره ضرورت پرداختن به موسیقی کار در ایران سخنرانی می‌کند. ۱۲۵ هنرمند، ۲۶ گروه از ۱۸ استان، ۱۸ منطقه و ۱۶ شهرستان در این همایش حضور دارند و به اجرای موسیقی و آیین‌های کار می‌پردازند. همچنین ۲۰ سخنران و پژوهشگر برجسته موسیقی در این همایش درباره موسیقی کار سخن خواهند گفت. نخستین همایش بزرگ کارآواها و آیین‌های موسیقایی کار به همت مرکز موسیقی حوزه هنری از ۱۹ تا ۲۲ مهرماه ۱۳۸۹ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود.

گروه کامه راتا روی صحنه می‌رود

کنسرت کوئینتت «کامه راتا» به سرپرستی کیوان میرهادی ۱۸ و ۱۹ مهرماه در تالار رودکی اجرا می‌شود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی موسیقی ایران، در بخش اول این کنسرت، چهارفصل پیاتزولا اجرا خواهد شد. به علاوه یک دوئت گیتار و پیانو نیز با اجرای دو قطعه در این بخش روی صحنه می‌رود و اجرای پنج قطعه افغانی «دارانگیانا» و سوئیت بوئنوس آیرس اثر پوخول پایان‌بخش قسمت اول کنسرت خواهد بود. بخش دوم این کنسرت با دو قطعه از میرهادی با عناوین «بوشهر» و «خرده کیجا» آغاز می‌شود و بخش بعدی نیز به اجرای راک اختصاص دارد که در آن آثاری از تام یورک اجرا خواهد شد. در این کنسرت، «رسا محمودیان» با ویولن، «عادل پورصمدی» با ویولن و آلتو، «کاوه همدانیان» با ویولنسل، «علیرضا خیابانی» با پیانو و «مهیار پورحسابی» با طبل و پرکاشن کیوان میرهادی را که گیتار الکتریک و کلاسیک می‌نوازد همراهی می‌کنند.

آغاز همکاری سعید فرجپوری و علیرضا قربانی در کانادا

با برگزاری کنسرت گروه کرشمه در کانادا، نخستین همکاری سعید فرجپوری (نوازنده و آهنگساز) با علیرضا قربانی (خواننده) اتفاق می‌افتد. سعید فرجپوری که چند ماهی از مهاجرتش به کانادا می‌گذرد با اشاره به نخستین کنسرتش در شهر ونکوور کانادا به مهر گفت: در این برنامه که روز ۷ آذر (۲۸ نوامبر) سال جاری برگزار می‌شود برخی از قطعات با کلام و بی‌کلام من در دستگاه ماهور و با آواز علیرضا قربانی ارائه خواهد شد. عضو پیشکسوت و نوازنده کمانچه گروه دستان در ادامه افزود: این کنسرت توسط گروه کرشمه و با حضور عده‌ای از نوازندگان خوب هموطن در کانادا اجرا می‌شود که طی آن قرار است سه تصنیف از من که بر اساس اشعاری از اخوان‌ثالث، سیاوش کسرایی و فریدون مشیری ساخته شده اجرا شود. فرجپوری در پایان با ابراز امیدواری نسبت به اجرای این برنامه در دیگر شهرها از جمله در ایران درباره اعضای گروه گفت: در این کنسرت علی رزمی و بهروز رحمانی تار، علی سجادی بربط، سهراب صائب و سینا خالدی سنتور، سینا اتحاد کمانچه و رامین بهرمانی، هنری و ارژنگ عطاللهی سازهای کوبه‌ای می‌نوازند.

گروه کر نامیرا در تالار وحدت

ایلنا: فرهاد هراتی (آهنگساز و رهبر کر نامیرا) در نشست مطبوعاتی‌ای که ۱۴ مهر در سازمان ملل برگزار شد، درباره کنسرت خود گفت: گروه کر نامیرا از سال ۱۳۷۵ تشکیل شد و تاکنون ۱۹ اجرای صحنه‌ای داشته است. وی افزود: این برنامه که عنوان آن خورشید اقیانوس آرام نامگذاری شده است، در سال ۸۷ در سه سانس در تالار وحدت اجرا شده و هم‌اکنون به مناسبت روز جهانی غذا دوباره اجرا خواهد شد. این آهنگساز خاطرنشان کرد: گروه کر نامیرا متشکل از ۶۰ خواننده کر، سه نوازنده مهمان و یک رهبر است که رهبری، آهنگسازی، سولیست و آواز و پیانو بر عهده خودم است. مایستر گروه عماد اجلال است. سولیست ویولن را علی جعفری‌پویان و سولیست فلوت را شهرام رکوعی بر عهده دارند.

وی ادامه داد: این نوع موسیقی یک تجربه منحصربه‌فرد است که به شنونده ارائه می‌شود. حضور ۲۰ خواننده کر کودک از ویژگی‌های این اجرا محسوب می‌شود. وی افزود: این گروه با استفاده از نت‌های موسیقی به جای کلام، محدودیت کلامی را از بین برده و شنونده را به تجربه‌ای نو از موسیقی مدرن و کلاسیک نزدیک می‌کند. وی با اشاره به اینکه این موسیقی نوعی موسیقی مدرن محسوب می‌شود، گفت: این اجرا که ۷۰ دقیقه طول خواهد کشید از تمام ویژگی‌های یک موسیقی بین‌المللی کاملاً برخوردار است. به گفته هراتی، فضای آهنگسازی اثر خورشید اقیانوس آرام یک فضای کلاسیک ـ فانتزی است که بیشتر به سمت ژانرهای احساسی پیش رفته است. این هنرمند با تاکید بر اینکه اولین اثر کرال را وی به بازار موسیقی عرضه کرده است، اظهار داشت: این کنسرت با حمایت موسسه فرهنگی ـ هنری گلچین آوای شرق برگزار می‌شود و قیمت بلیت‌های آن ۱۰، ۱۵ و ۲۰ هزار تومان تعیین شده است. تمام عواید حاصل از بلیت‌فروشی این کنسرت نیز به برنامه جهانی غذا اختصاص داده شده است. همچنین فروش بلیت‌های این کنسرت از امروز آغاز می‌شود.

در ادامه نگار گرامی (نماینده برنامه جهانی غذا) گفت: برنامه جهانی غذا به منظور بزرگداشت روز جهانی غذا هرساله برنامه‌های فرهنگی و هنری متعددی با کمک حامیان خود در کشورهای مختلف ترتیب می‌دهد. در این روز آژانس‌های غذایی سازمان ملل متحد از جهانیان می‌خواهند ۹۲۵ میلیون گرسنه را در سراسر جهان به خاطر بیاورند.

به گفته گرامی، درحال حاضر ۲۰ میلیون از این تعداد گرسنگان کودک هستند و هدف ما از بین بردن فقر میان آنهاست.

گروه کر نامیرا به سرپرستی فرهاد هراتی ۲۴ مهرماه ساعت ۲۱ در تالار وحدت به صحنه می‌رود.

«سبوی تشنه» در امریکا روی صحنه می‌رود

ایسنا: کنسرت‌های آلبوم «سبوی تشنه» به آهنگسازی «آرش کامور» و «سالار عقیلی» در کانادا به پایان رسید و از روز جمعه ـ ۱۶ مهرماه ـ دور دوم کنسرت‌های خارج از کشور این گروه در امریکا آغاز شده است.

آرش کامور با اعلام این خبر گفت: مدت زمان تور کنسرت امریکا و کانادا دو ماه است که در این مدت ۱۷ کنسرت را در امریکا و کانادا اجرا خواهیم کرد. تاکنون کنسرت‌های مربوط به شهرهای مونترال، اتاوا، تورنتو و ونکوور روی صحنه رفته و با استقبال چشمگیر مردم روبه‌رو شده است. این آهنگساز درباره اجراهای امریکایی این گروه افزود: کنسرت‌های امریکا از شهر «سیاتل» آغاز شده و در واشنگتن به پایان خواهد رسید.

وی توضیح داد: در این تورها «حسین بهروزی‌نیا» با بربط، «فرزین لاهورپور» با نی، «بهزاد رواقی» با تار، «حریر شریعت‌زاده» با دف، «کامران منتظری» با تمبک و «آرش کامور» با کمانچه به همراه آواز سالار عقیلی روی صحنه می‌روند. کامور ادامه داد: در این کنسرت‌ها آلبوم «سبوی تشنه» که پیشکش به بیستمین سالگرد درگذشت مهدی اخوان‌ثالث شده است، اجرا می‌شود و پس از تورهای امریکا و کانادا قصد دارم قطعات این آلبوم را در سرتاسر ایران اجرا کنم. آلبوم موسیقی «سبوی تشنه» با آهنگسازی «آرش کامور» و آواز «سالار عقیلی» به زودی از سوی انتشارات «آوای باربد» روانه بازار موسیقی خواهند شد.